

زندان و زندانی در متون اسلامی

(ماهیت، سیر دگرگونی، حقوق ملنی)



دکتر سهراب مروتی

www.ketab.ir

سرشناسه: مروّتی، سهراب، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور: زندان و زندانی در متون اسلامی (ماهیت، سیر دگرگونی، حقوق مدنی) / مولف سهراب مروّتی.
مشخصات نشر: ایلام: جوهر حیات، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۲۵-۴۷-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: زندان — جنبه‌های مذهبی — اسلام
موضوع: زندان (فقه)
موضوع: زندانیان
موضوع: زندانیان — وضع حقوقی و قوانین
رده‌بندی کتابخانه ملی: ۱۳۹۴ ز ۹۶ م ۱۹۵/۶۷ BP
ردیف ملی: ۳۷۵/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۴۳۲۲۴



عنوان اثر: زندان و زندانی در متون اسلامی (ماهیت، سیر دگرگونی، حقوق مدنی)

تالیف: دکتر سهراب مروّتی

ویراستار علمی: سکینه آزادی

صفحه‌آرا: محمّدامین احمدیپور قنبر

نشر: جوهر حیات

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۲۵-۴۷-۰

نشانی ناشر: ایلام، بلوار دانشجو، روبروی دانشگاه پیام نور، مجتمع تجاری آریان

تلفن: ۰۸۴۳۲۲۳۲۲۰۴ همراه: ۰۹۱۸۳۴۲۱۹۵۱

۱۱	پیشگفتار.....
۱۳	مقدمه.....
۲۱	فصل ۱: تعاریف.....
۲۲	۱. زندان.....
۲۳	۱-۱ اسجن.....
۲۴	۲-۱ وقف.....
۲۵	۳-۱ امانت.....
۲۵	۴-۱ اسر.....
۲۵	۵-۱ حجز.....
۲۶	۶-۱ حصر.....
۲۶	۷-۱ حد.....
۲۷	۸-۱ حقوق بین الملل.....
۲۷	۹-۱ جرم.....
۲۹	فصل ۲: تاریخچه زندان در اسلام.....
۳۰	۱. زندان در صدر اسلام.....
۳۶	۲. زندان در دوران بنی امیه.....
۳۹	۳. زندان در دوران عباسیان.....
۳۹	۴. زندان های خصوصی بغداد.....
۴۱	فصل ۳: مبانی مشروعیت زندان در اسلام.....
۴۲	۱. زندان در قرآن.....
۶۰	۲. زندان در روایات.....
۶۳	۳. زندان از نظر اجماع.....
۶۳	۴. زندان از منظر عقل.....

۶۵	فصل ۴: حقوق زندانیان در اسلام
۶۶	۱. دیدار با همسر
۷۰	۲. ملاقات با خویشاوندان و دوستان
۷۱	۳. مرخصی از زندان
۷۴	۴. شرکت در تشییع جنازه و مجالس ترحیم
۷۵	۵. اقامه نماز جمعه و نماز عید
۷۸	۶. حقوق زندانیان در طبقه‌بندی
۸۳	۷. اشتغال و به کارگیری
۸۷	۸. ممنوعیت شکنجه و آزار
۹۱	۹. سرپرست در بررسی وضعیت زندانیان
۹۳	۱۰. بررسی مجدد پرونده به وسیله قاضی جدید
۹۵	۱۱. پرداخت هزینه به زندانیان
۱۰۵	۱۲. درمان بیماری
۱۰۷	۱۳. رفاه و آسایش
۱۱۵	۱۴. تکریم و احترام
۱۱۹	۱۵. حق زندانی در صورت اثبات جرم
۱۲۰	۱۶. سلول انفرادی
۱۲۱	۱۷. برخورداری انسان‌ها از حقوق متساوی
۱۲۱	۱۸. ثبت اشیای زندانیان و نگهداری از آنها
۱۲۲	۱۹. ممنوعیت ورود مردان به زندان زنان
۱۲۲	۲۰. امور خصوصی و خانوادگی زندانیان
۱۲۳	۲۱. آماده‌سازی زندانیان برای خروج از زندان
۱۲۳	۲۲. ارتباط با خارج از زندان
۱۲۵	فصل ۵: حقوق زندانیان از نظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر
۱۲۶	قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان
۱۲۶	ملاحظات مقدماتی

۱۲۸	قسمت اول: قواعد دارای کاربرد عمومی
۱۲۸	اصول اساسی
۱۲۸	۱. ثبت اطلاعات
۱۲۸	۲. طبقه‌بندی تفکیکی
۱۲۹	۳. امکانات اقامت و خواب
۱۳۰	۴. بهداشت شخصی
۱۳۰	۵. لباس و رختخواب
۱۳۱	۶. تغذیه
۱۳۱	۷. ورزش
۱۳۱	۸. خدمات پزشکی
۱۳۳	۹. نظم و تنبیه
۱۳۴	۱۰. تجهیزات محدودکننده
۱۳۵	۱۱. دسترسی به اطلاعات و شکایات زندانیان
۱۳۵	۱۲. تماس با جهان بیرونی
۱۳۶	۱۳. کتب
۱۳۶	۱۴. مذهب
۱۳۷	۱۵. حفظ و نگهداری اموال زندانیان
۱۳۷	۱۶. اعلام مرگ، بیماری، انتقال و ...
۱۳۸	۱۷. نقل و انتقال زندانیان
۱۳۸	۱۸. پرسنل مؤسسه
۱۴۰	۱۹. بازرسی
۱۴۱	قسمت دوم: قواعد قابل اعمال برای گروه‌های خاص
۱۴۱	الف) زندانیان محکوم
۱۴۳	۱. رفتار با زندانیان
۱۴۴	۲. طبقه‌بندی و تفکیک
۱۴۴	۳. امتیازات

۴. آموزش و سرگرمی ۱۴۶
۵. روابط اجتماعی و مراقبت‌های پس از آزادی ۱۴۶
- ب) زندانیان مجنون و دچار ناهنجاری ذهنی ۱۴۷
- ج) زندانیان تحت بازداشت یا در انتظار محاکمه ۱۴۷
- د) زندانیان مربوط به امور مدنی ۱۴۹
- ه) افرادی که بدون ایراد اتهام دستگیر یا بازداشت شده‌اند ۱۴۹
- فصل ۶: مقایسه تطبیقی ۱۵۱
- درآمد ۱۵۲
- محورهای اصلی حقوق زندانیان ۱۵۴
- مبانی نظری حقوق زندانیان ۱۵۶
- بررسی حقوق زندانیان در اسلام ۱۵۸
۴. حقوقی که اسناد بین‌المللی (حقوق بشر) مورد توجه قرار گرفته‌اند ۱۶۰
- فصل ۷: فلسفه مجازات در اسلام ۱۶۵
- آسیب‌شناسی زندان ۱۷۴
۱. آسیب‌های فردی ۱۷۴
- الف) بازماندن از اشتغال و کارآفرینی ۱۷۴
- ب) فاسد شدن تدریجی ۱۷۴
- ج) ابتلا به بیماری‌های روانی و جسمی ۱۷۴
- د) ایجاد پیشینه سوء ۱۷۵
- ه) از هم گسستن خانواده ۱۷۵
- و) زوال حس مسئولیت‌پذیری ۱۷۶
- ز) پامال شدن حق الناس ۱۷۷
- ح) تقلیل کارایی زندان ۱۷۷
- ط) عدم موفقیت پیشگیری با ارباب خاص ۱۷۸
۲. آسیب‌های اجتماعی ۱۷۹

- الف) ضعف ارزش‌های فرهنگی حاکم بر زندان ۱۷۹
- ب) کاهش امکانات زندان ۱۸۰
- ج) زندان توان پیشگیری زیادی ندارد ۱۸۰
- د) افزایش رفتارهای سوء بعضی از مجرمان پس از آزادی ۱۸۱
- ه) ایجاد هزینه برای جامعه و حکومت ۱۸۱
- و) بی‌بهره ماندن جامعه از نیروهای کارآمد ۱۸۲
- دلایل موافقت با عدالت زندان ۱۸۲
- مبانی معرفت‌شناسی مجازات ۱۸۴
- فصل ۸: ضمانت ضرر ۱۸۹
- انواع ضرر ۱۹۰
- ضمانت ضرر در زندان از نظر اسلام ۱۹۱
- اشکال ضرر در زندان ۱۹۱
- بیان تفصیلی ضمان جبران خسارت به صورت مضاربت ۱۹۳
- بازپرداخت حقوق زندانی در صورت تبرئه از منظر فقه اسلامی ۱۹۵
- چه کسی ضامن است؟ ۱۹۷
- جبران خسارت زندانی در صورتی که منشأ آن والی و حاکم باشد ۱۹۸
- تحقق فعل به عنوان ضابطه‌ای از ضوابط تعویض از زندان ۲۰۱
- ضمانت ضرر از زندان در کنوانسیون‌های بین‌المللی ۲۰۳
- تعویض از زندان در قوانین داخلی بعضی کشورها ۲۰۳
- قانون فرانسه و تعویض از زندان و بازداشت ۲۰۴
- منابع و مآخذ ۲۰۶
- آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب
 ۱۳۸۴/۹/۲۰ ۲۱۳

دربارهٔ زنلن: سخن به میان آوردن، دشوار است؛ حتی شنیدن نامش برای کسانی که به زنلن نرفته‌اند، تنبیه‌آفرین است؛ اما عدلای به ناچار و بنا بر دلالی، باید روانهٔ این جایگاه ترسناک و آزادی‌ستیز شوند و زمانی از عمر خود را در آن سپری کنند زنلن در حقیقت، نهایت محدودیت است و روح انسان از محدودیت هراس دارد؛ به همین دلیل هم در آموزه‌های دینی و هم در سازمان‌های بین‌المللی به آن توجه ویژه‌ای شده است تا شاید بتوانند از اثرات منفی و پیامدهای ناگوار آن بکاهند. این پژوهش در صدد است که چشم‌انداز روشنی از زنلن ارائه نماید و برای دستیابی به این هدف با استناد به آموزه‌های قرآنی و حدیثی به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

۱. زنلن به چه معناست و در قرآن و حدیث از چه واژه‌هایی به عنوان هم‌نشین و جانشین آن استفاده شده است؟

۲. مبانی معرفت‌شناسی در زنلن کدام است؟

۳. از آغاز تاریخ اسلام تا کنون، زنلن چه مسیری را پیموده است؟

۴. چه دلالی برای ضرورت ایجاد زنلن وجود دارد؟ و دلایل مخالفان در این ارتباط کدام است؟

۵. در آموزه‌های دینی چه حقوق منلی‌ای برای زنلانیان بر شمرده‌اند؟ و این حقوق چه اشتراکات و چه اختلافاتی با اسناد حقوق بشر دارد؟ و ...

بعد از مطالعهٔ منابع گوناگون این نتیجه حاصل شد که جای چنین پژوهشی، خالی است و انجام آن در مقطع کنونی که جامعهٔ ما در تعامل با فرهنگ دینی، ملی و بین‌المللی به فرایندسازی اقدام می‌نماید امری ضروری است.

از نگاه ما، ورود با توجه به چالش بزرگ فراروی نخبگان فکری و سیاسی ما در جهان با جهان بدون حصار کنونی، زمینه‌ای فراهم شود تا با لحاظ کردن مؤلفه‌های علمی، مستند و مستدل به اقدامات پیشگیرانه و تربیتی به خصوص در رابطه با زنلن، رداخته شود؛ چراکه فرایند حاکم بر زنلن از حساسیت و ظرافت‌های ویژه‌ای برخوردار است که بدون لحاظ کردن یا غفلت از آنها، نتیجه‌ای معکوس حاصل می‌شود و اثرات مثبت زنلن را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد.

محورها و مطالب کتاب حاضر، زمینه‌ای برای پژوهش‌های گستردهٔ دانشگاهیان فراهم می‌آورد و برای مسئولان اداری و علمی زنلن‌ها نیز قابل استفاده می‌باشد. در پایان بر خود لازم می‌دانم از همکاران، هیئتمن، مشتاقان و عالمانه دوست ارجمند جناب آقای دکتر عبدالجبار زرگوش‌نسب که در انجام این پژوهش کوشش فراوان کردند؛ همچنین از سرکار خانم سکینه آزادی که با دقت نظر و نکته‌سنجی هر چه تمام در آراستن و پیراستن این مجموعه کاری ویژه کردند سپاسگزاری نمایم.

امیدوارم خوانندگان پرسش‌جو و پرسشگر، بنده را از پیشنهادات و انتقادات ارزشمند خود بهره‌مند نمایند.

مقدمه

زندگی اجتماعی جزء لاینفک زندگی آدمی است. جزئی که انسان برای حفظ و حراست از آن، کوشش‌های فراوانی را در طول تاریخ به عمل آورده است؛ تا جایی که گاهی برای حفظ آن، حاضر شده است آزادی بعضی از هم‌نوعانش را سلب نماید؛ لذا یکی از مؤلف‌های تربیتی و بازدارنده‌ای که در این ارتباط، خود را می‌نمایاند، واژه زندان است که به عنوان یکی از ابزارهای دفاع اجتماعی، کارکردهای خود را در زندگی اجتماع، نشان داده است. هرچند می‌توان زندان را قبرستان زندگی نامید؛ اما گاهی اوقات، سزای ابدی را به این قبرستان نیست. تاریخ مکتوب از دقت نظر اندیشمندان در این باره، مکتوب است. افلاطون می‌گوید: «قانونگذار باید به مجرم مانند بیماری که محتاج درمان است، تکرر و به او یاد دهد که چگونه از ارتکاب گناه، خودداری کند» (دانش، ۱۳۶۸: ۱۳).

زندان در آموزه‌های دینی به عنوان زندان بودن، ارزش ذاتی ندارد؛ بلکه به عنوان یک ابزار بازدارنده و اصلاح‌گر، ارزش خود را می‌نماید. شیخ محمود شلتوت (۱۳۷۹: ۱۰۸) نوشته است: «هدف از مجازات‌ها در اسلام، اصلاح نفس و تهذیب آنها و تلاش در جهت سعادت جوامع بشری است نه تعذیب آنها»؛ بنابراین، هر کس که واژه زندان، در طول تاریخ، برای آدمی، آزاردهنده؛ اما آشنا و پیسنزای بوده است و پیامبران؛ به‌ویژه پیامبر اسلام (ص) از آن به عنوان یک ابزار بازدارنده بهره گرفته‌اند. انزجار از زندان، در فرهنگ عمومی، از تنفر آدمی از اسارت و در اختیار قدرت دیگران بودن، نشأت می‌گیرد؛ قدرتمندان روزگار، از زندان، علاوه بر بازدارندگی از آسیب‌های اجتماعی، به عنوان ابزاری کارآمد برای سرکوبی مخالفان استفاده می‌کرده‌اند. در بعضی از آیات قرآن، از زندان به عنوان حریم مستبدان علیه مصلحان، نام برده شده است. نمود بارز آن را در قصه موسی (ع) و فرعون می‌توان یافت؛ آنجایی که موسی

از سوی فرعون به زندان تهدید می‌شود: «قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعرا/ ۲۹)؛ یعنی: [فرعون] گفت: اگر معبودی جز من بگیری، قطعاً تو را از زندانیان [که زیر سخت‌ترین شکنجه‌اند] قرار خواهم داد.

از دیگر مواردی که از زندان به عنوان حربه‌ای در اختیار مستبدان، یاد شده است، قصه حضرت یوسف (ع) است؛ آنجا که ملکه مصر به یوسف (ع) می‌گوید: «قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاودتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرُهُ لَيَسْجَنَنَّ وَ لَيَكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ» (یوسف/ ۳۱)؛ بانوی کاخ گفت: این همان کسی است که مرا درباره عشق او، سرزنش کرد. به راستی من از او خواستار کامجویی شدم؛ ولی او در برابر خواست من به شدت مقاومت کرد. اگر نامم را اجرا نکند؛ یقیناً با حقارت به زندان خواهد رفت.

آنچه از سخن او بر زبان می‌آید، شگفتی و اطاعت محض از دستور یا پذیرفتن زندان است. در آیات دیگری نیز از «جهنم» روی به عنوان زندان گناهکاران، نام برده شده است. خداوند سبحان در آیه ۸ از «سوره الإسراء»، از جهنم با لفظ «حصیر» یاد کرده است: «وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» و دوایح را برای کافران، زندانی تنگ، قرار دادیم؛ همچنین در آیات ۷-۹ سوره مطففین، لفظ «سجین» را به کار برده است: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ (۷) وَ مَا أَذْرَاكَ مَا سِجِّينُ (۸) كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۹) وَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ»: این چنین نیست که می‌پندارند [در سجین] یقیناً پرونده بدکاران در سجین است و تو چه می‌دانی که سجین چیست؟ قضا و مستور حتمی [برای خائنان] است».

در بعضی از آیات قرآن کریم از زندان به عنوان مجازات مجرمین هم یاد شده است؛ آیاتی که در این رابطه، مورد استناد قرار گرفته‌اند؛ عبارتند از: ۳۳ و ۱۰۶ / مائده؛ ۱۵ / نساء؛ ۵ / توبه.

در سیره پیامبر (ص) نیز آمده که آن حضرت، افرادی را حبس کرده است. در کتاب حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، آمده است که: «پیامبر اسلام (ص) برای احتیاط و حفظ حقوق مردم، افراد متهم را زندانی می‌کرد. طبق روایات، رسول اکرم (ص) افراد را به اتهام قتل، حبس می‌فرمودند و در اتهامات دیگر، مقداری از روز را حبس می‌کردند.

روش مزبور، همان روش نیمه‌آزادی است که هم‌اکنون در کشورهای مترقی جهان اجرا می‌شود» (دانش، ۱۳۶۸: ۱۴۵).

به اسناد معتبر از علی بن ابراهیم، از پدرش، از نوفلی، از سکونی، از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: «سیره پیامبر (ص) این بود که برای اتهام به قتل، شخص متهم را شش روز، زندانی می‌کرد؛ اگر اولیای مقتول، بینه (دو مرد شاهد عادل) می‌آوردند؛ مدعای آنان ثابت می‌شد و الا متهم، رها می‌شد» (کلینی، ۱۴۱۳: ۳۷۰).
بیهقی به اسناد خود از بهز بن حکیم بن معاویه، از جلدش روایت کرد که: «پیامبر اسلام (ص) مردی را برای اتهامش، یک ساعت از روز، زندانی و سپس او را رها کرد» (بیهقی، ۱۳۵۳ق، ج ۶: ۵۳).

به استناد از علی بن مالک، نقل شده است که: «دو نفر از قبیله بنی غفار، به سرزمین ضحجان که یک مریه بود و آب هم نداشت، آمدند؛ در حالی که عده‌ای از قبیله غطفان با شترانشان در آنجا بودند. آنان بعد از ورود آن دو نفر، یک جفت شتر نر و ماده را گم کردند. دو غفاری، به سرودی متهم شدند. آنها را پیش پیامبر (ص) بردند و قصه را بیان کردند؛ سپس پیامبر (ص) می‌آوردند و از غفاری‌ها را زندانی کرد و به دیگری گفت: برو و جست و جو کن. او رفت و بعد مدتی کم، آن دو شتر را آورد» (صنعانی، ۱۳۹۰: ج ۱۰: ۳۱۶). «پیغمبر (ص) متهم به قتل را (به نوجو به آنکه در آن زمان، امکان یافتن قاتل در یک شهر، سهل و آسان بود) شش روز، حبس نمود و اگر اولیای مقتول می‌آمدند و قتل به دست متهم، ثابت می‌شد، حکم را جاری می‌کردند و اگر اولیای مقتول نمی‌آمدند، متهم را آزاد می‌کرد» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۳۷۰).

برگزیدگان الهی، تمامی کوشش خود را به کار گرفتند تا در کوشش انسان‌ها به انجام اعمال ناسالم و به تبع آن از زندان رفتن، جلوگیری نمایند. شاید به همین دلیل بود که پیامبر اسلام (ص) زندان را نساخت و سفارشی هم به ساختن آن نکرد و از آن، تنها به عنوان ابزاری تربیتی استفاده نمود. در جای دیگر آمده که در آن زمان، مجرمان در مسجد یا در خانه‌ها نگهداری می‌شدند و نیز گفته شده است: «عمر بن خطاب به ناچار خانه‌ای به مبلغ چهار هزار درهم از صفوان خرید و آن را زندان کرد» (شوکانی، ۱۹۷۳: ج ۷: ۷).

۳۸۳). «و بعد از دوران پیامبر اکرم (ص) و خلفای سه گانه، حضرت علی (ع) به ایجاد زندان؛ به منظور اصلاح مجرمین، مبادرت نمود» (وائلی، ۱۳۶۲: ۳۷۳).

«نخستین زندان در اسلام؛ توسط حضرت علی (ع) در کوفه از بوریای فارسی؛ ساخته شد و آنجا را نافع نامید؛ سپس زندان دیگری از خاک و گل بنا کرد و اسم آن را مخیس (نرم کردن) گذاشت. کیفر حبس بر پایه تفکر اسلامی، توبه بوده است» (دانش، ۱۳۳۸: ۱۴۸). «انجام عبادت‌های شرعی، تنظیم برنامه‌های تہذیبی و ... در آن دو زندان تماماً رعایت می‌شده است» (وائلی، ۱۳۶۲: ۲۷۴). امیرالمؤمنین (ع) نیز افراد را برای اتهام به قتل، زندانی می‌کرد؛ مثلاً «به اسناد، از ابو بصیر و او از امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمود: جوانی، از چند نفر به امیرالمؤمنین (ع) شکایت کرد که پدرش را به مسافرت برد و هنگام بازگشت، او را نیاوردند و گفتند که او در مسافرت مرد و هیچ مالی از خود به جای نگذاشت. امیرالمؤمنین (ع) آنان را احضار و سپس پراکنده کرد و از یکی از آنها در باره مرد همراهشان پرسید. او مدعی مرگش شد و به قتلش اقرار نکرد. امیرالمؤمنین (ع) دستور داد سر و روی او را بپوشانند و به زندان ببرند؛ سپس از دیگر متهمان به حالت انفرادی سؤال کرد» (کلینی، ۱۳۶۲: ۳۷۱).

«علی (ع) بدهکار و ورشکسته را زندانی می‌کرد و اگر ثابت می‌شد که واقعاً نیازمند و مفلس است، او را آزاد می‌کرد تا اینکه مالی به دست آورد و بدهی خود را بپردازد» (حجر عاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۳: ۱۴۸).

«آن امام همام (ع) دستور داد تا در مورد، قاتل و زندانی و ... علی‌الرحمن - از نظر آب و غذا، جای خواب و استراحت و بالاخره برخورد و معاشرت با او، رفاه‌جویی کاملاً انسانی و کریمانه به عمل آید» (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۰). «گاهی هم زندانیانی را که به خاطر دین و بدهکاری به زندان محکوم شده بودند، به دستور علی (ع) برای شرکت در نماز جمعه، آزاد می‌کردند و پس از اداي نماز و شرکت در آن اجتماع بزرگ، به زندان برمی‌گرداندند» (دینوری، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۶۰).

ناگفته نماند که «در زمان شهادت امام علی (ع) فقط یک زندانی، وجود داشته است و او قاتل آن حضرت بوده است» (شاطریان استرکی، ۱۳۴۲: ۳). «در زمان معاویه بود

که زندان به صورت جدی، نمود پیدا کرد و استفاده گسترده‌ای از آن به عمل آمد و آن را به عنوان ابزاری برای حفظ قدرت و هراس مخالفان به کار گرفتند. در زمان معاویه، زندان‌ها به چهره کامل خود درآمدند و مجهز به زندانبان شدند» (ساکت، ۱۳۷۲: ۱۶). به تدریج، زندان به عنوان ابزار حفظ قدرت در اختیار خلفای جور قرار گرفت تا جایی که در مروج الذهب آمده است: «حجاج مرد؛ در حالی که در زندان او پنجاه هزار مرد و سی هزار زن وجود داشته است» (واثلی، ۱۳۶۲: ۳۹۳).

نگارنده در پی آن است که با واکاوی منابع و متون دینی؛ بالاخص قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام) جنبه‌های گوناگون و متنوع زندان را استخراج نماید و زمینه را برای اندیشمندان مشفق فراهم کند که به پژوهش‌های بین‌رشته‌ای روزآوری در این راه ستا، روی آورند. دیگر اینکه، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان که برنامه‌های آسیب‌زایی از جهت حاکمان را در دستور کار خویش دارند، با لحاظ کردن این موارد، به نقش‌بازآفرینی زندان در آسیب‌زدایی، توجه بیشتری نمایند. مهمترین محوری که در این بین، برجسته می‌نماید و باید رعایت شود، حقوق زندانبانی است که بنا بر اقتضای روزگار گرفتار آمده‌اند؛ زیرا این حقوق در سلسله حقوق الناس به شمار می‌رود و کم‌دقتی به آن، عقوبات اخروی غیرقابل بخششی را بر پی‌دارنده نکتته مهمتر این است که آدمی، جدای از شخص خاصی که متوجه شخصیت اوست، دارای کرامتی ذاتی است که از وی جدا شدنی نیست؛ هر چه زندان هم به سر برد، باز انسان است و شایسته تکریم؛ لذا یکی از مسائلی که در این روزها توجه به آن، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، حقوق زندانی است به عنوان کسی که آزادی او محصور است و سلب شده و بنا به هر دلیل، به ناگزیر و برخلاف میل، مجبور به گذراندن بخشی از زندگی‌اش در محیطی محصور و با شرایط ویژه به نام زندان است. تبیین این حقوق، هم برای زندانی و هم برای زندانبان، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ از آن جهت که زندانی، باید سزای عمل خلافش را ببیند؛ در عین حال، حقوق انسانی و اسلامی‌اش را بشناسد و از آن دفاع کند. زندانبان یا مدیر نظام‌بخش جامعه نیز باید تمام دقت خویش را به کار بندد تا زندان را از فرم زندان بودنش، خارج نکند. در اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی،

به زیبایی به این مهم پرداخته شده است: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع، ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی، فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود». بنیان‌گذار دقیق‌النظر جمهوری اسلامی ایران، به این امر توجه ویژه‌ای داشته و در این باره فرموده است: «لکن شما کوشش کنید که همین طوری که می‌گویید که ما رفتارمان خوب است، رفتار را خوب کنید با اینها. آنهايي که می‌شود واقعاً آنها را موعظه‌شان کرد، نصیحت کرد، از بین آنها ببرید یک جای دیگر نصیحت‌شان کنید؛ اشخاص بی‌ایمان، روحانیون بیایند، با آنها صحبت کنند، خودتان صحبت کنید؛ بلکه اینها تربیت بشوند. محسن یکی است که تربیت باید بشوند مردم در آن محسن اسلامی. من آن وقتی که محسن بودم، این اشخاصی که در آنجا زندانبان بودند، می‌آمدند پیش من می‌نشستند، صحبت می‌کردند. یک دفعه که من دیدم یک جایی صدا بلند شد و مثل اینکه یک شکنجه‌ای بر آن‌ها بود شکنجه‌ها را اگر بود جاهای دیگر می‌بردند؛ مثل اینکه آنها می‌خواستند به من هم نشانند که اما هم هست در کار؛ من بعدش که آمدند آنجا، گفتم آقا این چه بساطی است که شما درست کردید. زندان باید تربیت کند اشخاص را، باید یک مکتب باشد زندان، وقتی می‌آید آنجا اگر یک دزدی است، دزدی‌اش را از او بگیرید و بیرونش بفرستید؛ تربیتش که است. بابت آنها عذر آوردند که نه اصلش شکنجه‌ای در کار نبود و یک پاسپانی چه کرده با سلیقه سلی به آن زدند و فلان، ولی دروغ می‌گفت. در هر صورت، زندان اسلامی باید روی همان موازین اسلامی باشد. همانی که وقتی که به شخص اول اسلام، حضرت امیر، ضربت می‌زدند بعد که می‌بردندش، سفارش می‌کند که این را از همان غذایی که خودتان می‌خورید، بدهید و همان‌طور چه بکنید. وقتی مواجه بشوند اینها با یک اخلاق صالح و خوبی، یک دسته‌شان که توطئه‌گرند و اینها که اصلاً دنبال این مسائل نیستند؛ اما یک دسته دیگر کم‌کم آرام می‌شوند، کم‌کم همان طوری که گفتید بعضی‌هایشان تربیت شدند، تربیت می‌شوند و باید اینها را با اخلاق خوب و با رفتار خوب و اینها تربیت کرد و کار، کار بسیار مشکلی است» (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱۴: ۲۷۳) و در جای دیگر می‌فرماید: «آقایان قضات،

آقایان دادستان‌ها، کسانی که متکفل این امر مهم اسلامی هستند که مسئولیت این زیاد است و لازم هم هست که شما مسئولیت را به عهده بگیرید. باید وارد شد؛ لکن در یک امر بزرگی است، توجه بکنند که جان و مال و ناموس یک ملت در دست این قضات است و در دست این دادگاه‌هاست و مسئول این مسائل هستند و باید تا آن مقداری که می‌توانند تا آن مقداری که قدرت دارند، توجه بکنند به مصالح عمومی اسلام؛ نه آن که گناهکار است از او بگذرند و نه آن که -خدای نخواست- گناهکار نیست یک وقتی مبرا بشود. قاضی باید یک آدم قاطعی باشد که در دو طرف قضیه، قاطعیت داشته باشد. اگر یک کسی به حسب حکم شرع، باید این را کشت، ترحم نکنند؛ جایز نیست. اگر باید -فرض نفرمایید که- حبس و تعزیر بشود، تعزیر بکنند. و اگر یک کسی -خدای نخواست- یک آدمی است که گناهکار نبوده است، بدون وقفه او را تبرئه کنند و بدون وقفه او را آزاد کند. قاضی باید این طور باشد، فکرش این طور [باشد] نه رؤوف و مهربان باشد که جنایتکار را هم به او رأفت کند، آن هم این جنایتکارهایی که یک نمونه‌اش را من و شما در چند شب پیش دیدیم و پشت انسان را لرزاند و بسیار نمونه دارد که ما ندیدیم؛ اینهایی که بعدها معلوم می‌شود -تا آخر هم که معلوم نمی‌شود، در بارگاه خدا معلوم می‌شود- بعدها معلوم می‌شود، ما کسی‌اش را دیدیم. یک نمونه‌اش این بود که چند شب پیش از این دیدید که انسان نمی‌تواند بکشد که یک آدم که از اول به فطرت الهی متولد شده است تا این حد جنایتش می‌رسد. پس، این معنا برای انسان، مشکل است. من گمان ندارم که هیچ حیوانی نسبت به حیوان دیگر این طور بکند ...

خوب، یک همچو مسائلی هست، آن وقت اگر چنانچه آقای قاضی رأفتش بگیرد که امثال اینها را با آنها ملایمت بکنند؛ یعنی، نمی‌گویم که باید بر آن مقداری که قضای الهی اجازه می‌دهد؛ ابدأ - حتی یک سیلی نباید بزنند - اما آنی که به حسب حکم شرع، حکمش قتل است، مسامحه نکنند. از آن طرف هم، طوری باشد که اگر چنانچه یک نفر آدم، بی‌گناه است؛ حتی مانع بشود از اینکه یک حرف تند به او بزنند. آنها هم که گناهکارند، حق نیست به اینکه با آنها معامله غیر انسانی بکنند. آنها [که] مستحق قتل اند، باید قتل بشوند، مستحق اعدام‌اند، اعدام باید بکنند؛ اما زاید بر آن بخواهند کارهایی بکنند،

این را بدانند که مشغول هستند ...

و همین طور متصدیان حبس‌ها و زندان‌ها باید این معنا را توجه داشته باشند، چه اشخاصی که در رأس هستند و چه اشخاصی که مشغول اجرای عمل هستند، باید این معنا را توجه بکنند که حدود الهی معنایش این نیست که یک کسی که مستحق قتل است، ما فحشش بدهیم؛ جایز نیست این، یا به او سیلی بزنیم؛ حق نیست؛ یعنی، قصاص دارد این. یک نفر آدم جانی که دارند می‌برند بکشندش، اگر شما یک سیلی بزنید، او حق دارد به شما سیلی بزند و عوض بزند و خلاف شرع کردید. گمان نکنید که حالا که این آدم توی حبس آمده است، ما باید با او رفتار بد کنیم. ان شاء الله، نمی‌کنید و نباید بکنید» (امام

خمینی، ۱۳۷۲، ج ۶، ۴۲۵)

www.ketab.ir